۳ نکته: قبل از طرح بحث لازم است به ۳ مطلب اشاره کنیم.

نکته ۱: نفس سائله به چه معنی است؟

مرحوم همدانی در مصباح الفقیه درباره نفس سائله می‌نویسد:

«والمراد بالنفس السائلة ـ علی ما نسب إلی أهل اللغة والأصحاب ـ الدم الذی یجتمع فی العروق ویخرج عند قطعها بقوّة ودفق لا کدم السمک بل هذا هو المتبادر من توصیف النفس بالسائلة فی مقام التحدید , لا مطلق الجریان , کما قد یتوهّم.

وکیف کان فمراد الأصحاب بالسائلة ـ علی الظاهر ـ لیس إلّا ما عرفت وإن اختلفت عبائر بعضهم إذ لا خلاف عندهم ـ علی الظاهر ـ فی کون السمک ونحوه ـ ممّا یخرج دمه بالرشح ـ من غیر ذی النفس مع جریان دمه عند الخروج وبعده.

فمناقشة بعض فی تفسیر مرادهم بما عرفت ـ نظرا إلی کون السیلان عرفا مساوقا للجریان الذی هو أعمّ من ذلک ـ فی غیر محلّها.»[1]

توضیح:

۱. مراد از نفس سائله، خونی است که در رگ‌ها جمع می‌شود و وقتی رگی بریده می‌شود با قدرت و با ضربان از رگ خارج می‌شود.

۲. نقطه مقابل این نوع خون، خون ماهی است که اگرچه وقتی از رگ ماهی خارج می‌شود، جریان دارد ولی ضربان و قدرت ندارد.

۳. و همین مطلب (و فرق مطرح شده) مراد فقها می‌باشد چرا که ظاهراً همه فقها قبول دارند که ماهی دارای نفس سائله نیست، در حالیکه خون ماهی جریان دارد (ولی ضربان ندارد)

۴. پس اینکه کسی اشکال کند که «سیلان (سائله) از نظر لغوی همان جریان است (و ماهی هم خون جاری دارد) و لذا معلوم نیست مراد فقها از نفس سائله چیست»، اشکال صحیحی نیست.

ما می‌گوییم:

۱. همین مطلب مورد اشاره مرحوم شهید ثانی هم می‌باشد

«(البول و الغائط من) الحیوان (ذی النفس السائلة) أی: ذی الدم الذی یجتمع فی العروق، و یخرج إذا قطع شیء منها بسیلان و قوّة، بخلاف دم ما لا نفس له، کالسمک، فإنّه یخرج ترشیحاً.»[2]

---

[1]. مصباح الفقاهة، ج۷، ص۹

[2]. روض الجنان، ج۱، ص۴۳۳

۲. نکته مهم آن است که مطابق آنچه مصباح المنیر[۱] و معجم مقایس[۲] می‌گویند، نفس، اسم هر حیوانی است که قوام آن حیوان به خون است. و لذا دارای نفس سائله را می‌توان به معنای دارای خون جهنده معنی کرد.

۳. در هر حال این اصطلاح از روایات وارد مصطلحات فقهی شده است.

«مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى رَفَعَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: لَا يُفْسِدُ الْمَاءَ إِلَّا مَا كَانَ لَهُ نَفْسٌ سَائِلَةٌ.»[۳]

« فی حدیث النّخعی «کلّ شیء لیست له نَفْسٌ سائلة، فإنه لا ینجّس الماء إذا سقط فیه»»[۴]

نکته ۲:

مرحوم حاج آقا رضا همدانی درباره معصومین (ع) می‌نویسد:

«والبحث عن نجاسة فضلات المعصومین المنزّهین عن الرجس إساءة الأدب.

والذی تقتضیه القواعد التعبّدیّة : التجنّب عنها فی المأکول والمشروب والصلاة ونحوها من الأمور المشروطة بالطهارة , فلعلّ حکمته الاطّراد فی الحکم أو غیره من الحکم المقتضیة للاجتناب , لا الاستقذار , فلیس علینا البحث عن تحقیق السبب بعد إطلاق الأمر بإزالة البول عن الثوب عند إرادة الصلاة , والنهی عن شربه , ولم یثبت ما یقتضی التقیید بالنسبة إلی أحد وإن روی أن أمّ أیمن شربت بول النبیّ صلی‌الله‌علیه‌وآله , فقال لها النبیّ صلی‌الله‌علیه‌وآله : «إذن لا تلج النار بطنک» فلذلک قال الشافعی بطهارة بوله علی ما قیل. لکنّ الروایة لم تثبت.»[۵]

---

[۱] . ج۲، ص۶۱۷

[۲] . ج۵، ص ۴۶۰

[۳] . کافی، ج۳، ص۵، ح۴

[۴] . النهایة (ابن اثیر)، ج۵، ص۹۶

[۵] . مصباح الفقیه، ج۷، ص۸